

# خبرنامه

سال دوم



جریکهای فدائی خلق ایران - مازندران

تاریخ ۱۳۵۹/۸/۳۰

شماره: ۴۰

باید در جریان مبارزات توده‌ها،  
در هر شکل و سطحی که باشد،  
قرار داشت و آنرا ارتقاء داد!

دودولت ایران و عراق  
ویژه جنگ

پیش بسوی سازماندهی مساحت توده‌ها!

بهاء ۲۰ ریال

تکثیر از

مواضع: جریکهای فدائی خلق ایران

## دستور خلق سلاح عمومی در آبادان و خرمشهر

از سوی دادسرای انقلاب دستور  
خلق سلاح عمومی در آبادان و  
خرمشهر صادر شد.  
آبادان - دادسرای انقلاب  
اسلامی آبادان و خرمشهر در  
سوره خلق سلاح عمومی  
اطلاعاتی منتشر کرد در ضمنی  
از این اطلاعیه آمده است: به  
کلمه دارندگان اسلحه در آبادان  
و حومه خرمشهر، ماهشهر،  
شادگان، جریره، مینو، اروند  
کنار، دارخوین و گنجه روستا -  
های تابعه اعلام میشود که از  
تاریخ شنبه اول شهریور ماه  
تا دوشنبه ۱۰ شهریور ماه  
توانند اسلحه خود را به دادگاه  
انقلاب اسلامی آبادان تحویل  
دهند تا مورد عفو قرار گیرند  
صفا در صورتیکه برای انقضای  
مهلت تعیین شده از کسی  
اسلحه غیرمجاز کشف شود به  
شدیدترین وجه مجازات خواهد  
شد.

## مردم مبارز ایران

رژیم جمهوری اسلامی نه تنها مردم  
آبادان و خرمشهر را مسلح نکرد، بلکه تنها  
چند روز پیش از آغاز درگیریهای شدید مرزی  
آنها را خلق سلاح نمود.  
آری، رژیم جمهوری اسلامی از مردم  
ایران بیشتر میبهرد تا ارتش عراق.  
رژیم جمهوری اسلامی ترجیح میدهد که ارتش  
عراق وارد خاک ایران شود، اما اسلحه به  
دست مردم مانعفتد.

## پیش بسوی تشکیل هسته‌های مسلح خلق

### “ اخبار جنگ - اهواز ”

۵۹/۷/۱۷ - حدود ساعت ۶ بعد از ظهر، مدای انفجار شدیدی در شهر اهواز شنیده شد و تعدادی از شیشه  
های منازل و مغازه‌ها شکست. مردم شدیداً دچار وحشت شدند. انفجار بعدی اوضاع را متشنج تر کرد. تا  
ساعت ۷ بعد از ظهر انفجارها، بی دربی صورت میگرفت. رادیو اهواز، علت این انفجار را ناشی از بمباران  
فسمتی از انبار مهمات پادگان اهواز دانست که توسط ارتش عراق صورت گرفته است. اما مردم در مورد این  
مسئله شک داشتند. آنها میگویند: “یا عراقیها آمده اند و یا ارتش ایران خود پادگان را بمباران کرده است.”  
مردم نسبت به ارتش بسیار بدبینند. آنها میگویند: “ارتش خیانت میکند، همانگونه که فرمانده لشکر اهواز  
خیانت کرد، همانگونه که مردم خرمشهر را در شهرت‌ها باقی گذاشتند و شهر را ترک کردند.” در شهر شایع شده است  
که ارتش و سپاه عقب نشینی کرده اند. مردم از این موضوع بسیار خشمگین اند، بطوریکه دیگر علناً به آنها  
فحش میدهند. آنها در این چند روز که از آغاز جنگ میگذرد، شدت از هیبت حاکمه متنفر شده اند. و حاکمین وقت را  
مسبب این بدبختی میدانند. مردی میگوید: “اگر آخوندها می خواهند بصره را بگیرند، خودشان جلو  
بروند، چرا مردم را اینقدر به کشتن میدهند.”

۵۹/۷/۱۸ - کارخانه نورد اهواز در ساعت ۱۱/۳۰ بمباران کردند. محله “خشیار” نیز بمباران  
شده است. مردم بصورت شهر را ترک میکنند. آنها از اینکه شهر خود را ترک میکنند، شرمندانه اند، اما جاهای  
بحز این ندارند. بدون سلاح در مقابل حملات هوایی چه میتوان کرد؟ رژیم نه تنها مردم را مسلح نمیکند،  
بلکه هنوز در آنجا به خلق سلاح نیروهای سیاسی و توده‌ها مشغول است. مردم میگویند: “حکومت ایران بیشتر  
از مردم ایران میترسد تا از دولت عراق، به همین دلیل ما را مسلح نمیکند.” رژیم شدت از فعالیت نیرو-  
های سیاسی جلوگیری میکند.

۵۹/۷/۱۹ - امروز صبح ارتش عراق در درون جاده اهواز - آبادان نفوذ کرده و آنرا بسته بود. آنها  
۲ اتوبوس را برگزیدند. یکی از رانندگان این اتوبوسها که بصره می‌رفت، میگوید: “شب گذشته تعدادی  
سرباز و مقداری مهمات به پادگان بردیم. صبح ساعت ۹ صبح که بطرف آبادان می‌رفتیم، در منطقه سلیمانیه  
ماشینهایمان را برگزیدند و ما از ماشین بی‌باده شدیم و دیدیم که دو تانک عراقی بطرف ما می‌آیند. ما فوراً  
با طرف جاده رفته و سینه خیز خودمان را تا دها تا اطراف کشانیم.” تاکنون ارتش عراق چندین بار به این  
جاده نفوذ کرده است.

دیشب رادیو عراق اعلام کرد که مردم دزفول و اهواز، شهرهای خود را ترک کنند. رادیو عراق اعلام کرد  
که ارتش عراق قصد دارد این دو شهر را بمباران کند، اهواز که تا چند روز پیش تقریباً “امن تر از نقاط دیگر

جنوب بود، بدنبال بمباران اخیر ارتش عراق، وگفتار را دیو عراق بحرکت درآمده است. مردم با هروسيله نقلیه ای که یافت میشود، شهر را ترک میکنند. طبقات مرفه قادرند تا کامیونی اجاره کرده و قسمتی از وسائل خانه خود را همراه ببرند. اما توده های زحمتکش همه زندگی خود را رها کرده و فقط جان خود را نجات میدهند. آنها - شی هم که توانائی پرداخت کرایه ماشین برای سفر خود را ندارند، میمانند. چه بر سر آنها خواهد آمد؟ کسی نمیدانسد.

## گزارش جنگ جنوب

(آبادان و خرمشهر)

از روز ۳۱ شهریور، آبادان آماج خمپاره های ارتش مزدور عراق قرار گرفت. اولین منطقه مورد حمله در آبادان محله فقیرنشین " احمدآباد " بود و اولین کسانی که از آبادان کوچ کردند، کارمندان عالی رتبه شرکت نفت، بازاریهای کله گنده و شروتمندان بودند. با ادامه حملات به تاء سیسات نفتی و محله های مسکونی، مردم از شهر خارج شدند. تقریباً تا پانزدهم، مهرا ماه بیشتر محله های آبادان خالی شده بود، تا روز بیست و یکم مهرا ماه فقط کارگران آتش نشانی بودند که مرثب سرکار خود حاضر میشدند. دیگر کارگران، بنجرا استادکاران، هر سه روز یک بار بر سر کارهای خود میرفتند.

تخلیه شهر بوسیله مردم، چیزی نبود که آنها از روی میل و رضای خود انتخاب کرده باشند. هر خانواده ای با ترک شهر و دیار، حاصل سالها تلاش و زحمت خود را بجا گذاشت و رفت. آنها که در شهر ماندند، توانستند شاهد فرود آمدن سقف خانه بر سرزن و فرزندشان باشند. کارگری که در اثر اصابت راکت به خانه اش، سه فرزند خود را از دست داده بود، در خالیکه با صدای بلند بزمین وزمان ناسزا میگفت، فریاد میزد: " نمیدانم اینها چکار میخواهند بکنند؟ تمام مردم را بیدخت کرده اند و هنوز دست بردار نیستند ( منظور رژیم جمهوری اسلامی است ) تمام جوانهای مردم را بکشتن دادند. " اگرچه پاسداران نیز شاهد این صحنه بودند، ولی خشم بی پایان این مرد کارگر خروشانتر از آن بود که آنها جرات عکس العملی را بخود بدهند. کارگر دیگری میگفت: " کجا هستند این حزب الهی ها؟ آنها تنها میتوانند ما را دم گلوله دشمن بفرستند. " یک کارگر میانسال میگفت: " حاصل سی سال جان کنندن من یک خانه محقر، بیکخته قالی و یک تلویزیون است. بهتراست همینجا بمیرم تا از شهر خارج شوم. اگر زنده بمانم برای تهیه همین وسائل زندگی، سی سال دیگر باید کار کنم. "

تخلیه شهر بوسیله مردم، خودگویی شناخت آنها از ماهیت جنگ است، مردم میدانستند که جنگ، جنگ بین دودولت ضد خلقی است و در این میان آنچه عاید آنها خواهد شد، چیزی جز مرگ، آوارگی، فقر و گرسنگی نیست. تجربه سالها مبارزه ضد امپریالیستی به توده ها آموخت که ارتش ساخته و پرداخته امپریالیستها، تنها میتواند توده ها را سرکوب کند. این ارتش توان مقابله با تهاجم خارجی را ندارد. آنها که در شهر ماندند می- گفتند: " همین ارتش در جریان مبارزات سالهای ۵۵ - ۵۷ مردم، بر سر هر کوی و برزن، یک تانک مستقر کرده بود. ولی امروز که با اصطلاح با یک دولت خارجی در حال جنگیم، از آن تجهیزات خبری نیست. " مردم حتی در شرایط جنگی نیز به اخبار رادیو - تلویزیون اعتماد نمیکنند. دو سال دروغ، دو سال فریب، دو سال افترا، دو سال سرکوب، دو سال ..... هرگونه اعتماد توده ها را نسبت به ارگانهای حاکمیت زایل کرده است.

در حالیکه ارتش مزدور عراق بسیاری نقاط مسکونی و صنعتی ایران را هدف بمباران خود قرار میدهد، ارتش امپریالیستی ایران ناتوانی خود را در دفاع از کشور، هر چه بیشتر نشان میدهد. در همان روزهای اول جنگ بسیاری از فرماندهان و افسران فرار کردند. تنها درجه داران و سربازان، در شهرها باقی ماندند. یکی از سربازان میگفت: " وضع خیلی خراب است. هیچ برنامه و سازماندهی در ارتش وجود ندارد. هر کسی ساز خودش را میزند. غذا گیرمان نمیآید. ما هم از بی برنامه گی اغلب در شهر پرتو میزنیم. " دوسریاز منقضی خدمت سال ۵۶ که به جنگ فرا خوانده شده بودند، میگفتند: " ما حدود ۳۰۰ نفر بودیم که از کازرون آمدیم، دویوز است که در هنگ ژاندارمری میگردیم و کسی نیست بماند که بگوید چکار باید بکنیم. "

آنها که ماهیت ضد خلقی ارتش را با تبلیغات جمهوری اسلامی بفراموشی سپردند، در ابتدا به ارتش روی خوش نشان دادند. ولی واقعیت یک بار دیگر خود را نشان داد. ارتش نشان داد که برای حفاظت جان و مال مردم از تهاجم خارجی ساخته نشده است. تدارکات ارتش بسیار بد انجام میشود. ارتشها برای مستقر کردن توپهای ۱۰۶ میلیمتری از وانانت استفاده میکنند. زمانی تانک هست و بنزین نیست و وقتی بنزین میرسد،

تانک کار نمیکند. مردم میگویند: "ارتشی که ماشین و بنزین نداشته باشد، بدردلای جرم میخورد." آنها به عینه دیدند که ارتش ناتوان از حمایت آنها در برابر حملات عراق است. در عوض مردم شاهد کوششهای نفرت انگیز ارگانهای کهنه و نوین حکومتی، از جمله سپاه پاسداران بودند: ارتش و سپاه پاسداران، با اوجگیری جنگ در تعقیب انقلابیون بخانه گردی پرداختند. آنها در حالیکه اعلام میکردند با حکومت عراق در حال جنگند، از دستگیری، محاکمه و حتی اعدام انقلابیون کوتاهی نکردند. هر جا که نیروهای انقلابی و مردمی بکمک مردم میشتافتند، بلافاصله سروکله پاسداران پیدا میشد. رژیم جمهوری اسلامی بوسیله ارگانهای سرکوبش، ارتش، سپاه پاسداران و... از هرگونه فعالیت نیروهای انقلابی جلوگیری بعمل میآورد. حاکمین وقت نمیخواهند جنگی که منافع حقیرشان را تاء مین میکند، بوسیله ای برای پیوند هرچه عمیقتر فرزندان راستین خلق و خلق تبدیل شود. مردم بچشم خود دیدند که آنها چادرهای امداد هوا داران چریکهای فدائی خلق ایران و دیگر نیروهای سیاسی را بزور سرنیزه برچیدند. و این عمل در زمانی صورت گرفت که مردم نیاز مبرم به امداد داشتند و خدمات دولت ناکافی بود. مردم وقتی این حرکات ضد خلقی را میدیدند و میشنیدند که "از درون ارتش برای عراق جاسوسی میکنند و تعدادی از جمله فرمانده لشکرها و اربابان این اتهام اعدام شدند"، نمیتوانستند به فرزندان انقلابی خود روی نیاورند. مردم آنچه را که نمیتوانستند در اختیار چادرهای امدادی که با سیاهی میگذاشتند، از کیسه گونی برای ساختن سنگر گرفته تا دارو. وقتی میدیدند که چادرهای امدادی که با وسائل خودشان و بوسیله فرزندان نشان برپا شده حتی مورد هجوم مسلحانه قرار میگیرد، نمیتوانستند نفرت و خشم خود را مخفی کنند. مردمی که از آبادان و خرمشهر کوچ کردند نیز در وضعیت بهتری بسر نمیبرند. آنها عمدتاً "به شهرهای بهبهان و شیراز رفته اند. آوارگان جنگ در شهرهای بهبهان و شیراز به "برکت" تبلیغات سردمداران حکومتی و امام جمعه های این شهرها زیر فشار شدید برای بازگشت به شهرهای خودشان قرار دارند. در شیراز، خوزستان - نیهای مهاجر، بدستور دستغیب امام جمعه این شهر، مورد اذیت و آزار قرار گرفته اند. اتوبوسهایی که از خوزستان بمقصد شیراز مسافر حمل کنند، تهدید به مصادره شده اند. در بهبهان فریب خوردگان حاکمان وقت، حتی از دادن آب به آوارگان جنگ، خودداری میکنند.

مردمی که در جنگ این دولت ضد خلقی نمیبی جز مرگ، خانه خرابی، آوارگی، فقر، گرسنگی و خفت نبرده اند، نمیتوانند خواهان خاتمه جنگ نباشند.

### حکومت جمهوری اسلامی به آزار و اذیت آوارگان جنگ پرداخته است

مردم آبادان که در اثر جنگ خانه و کاشانه خود را از دست داده اند، آواره شده و به شهرهای دیگر همچون شیراز، بهبهان و کازرون کوچ کرده اند. تعدادی از آنها که به شیراز آمده اند، بخانه اقوام و خویشان خود رفته اند، اما عده ای دیگر که هیچ سرپناهی نداشتند، در خوابگاههای دانشجویی و یا شاه چراغ اطراق کرده اند. زندگی آن دسته که در شاه چراغ سکونت کرده اند، بسیار رقت بار و شبیه الونک نشینی است.

سردمداران حکومت جمهوری اسلامی، خصوصاً "آیت الله دستغیب امام جمعه شیراز، شدیداً بر علیه این مردم مصیبت دیده سیاسی میکنند و مرتباً "سپاه پاسداران، افراد کمیته، جماعتداران و عده ای از مردم ناب آگاه شهر را بر علیه این مردم آواره، که جنگ تمام هستیشان را بابت داده است، تحریک کرده و به آزار و اذیت آنان پرداخته اند. سردمداران حکومت دائماً "تبلیغ میکنند که چرا آبادانیها، شهر خود را ترک کرده اند، در حالیکه هیچگاه نمیگویند که این مردم بیدفاع که حکومت حاضر بآبادان اسلحه بدست آنان نبود، چگونه میتوانند در شهر آبادان بمانند و از خود دفاع کنند؟

آبادانیهای جنگ زده مقیم شیراز که از نتیجه فشار به ستوه آمده بودند، تصمیم گرفتند تا در روز سه شنبه ۲۹ مهر ماه در مقابل مسجد وکیل اجتماع کرده و از دستغیب بخواهند که یا به یاوه گوئی های خود خاتمه دهد و یا اگر راست میگوید همراه عده ای از آبادانیها به شهر آبادان برود.

سردمداران حکومت که از این موضوع باخبر شده بودند، در روز سه شنبه از ادبوا علام کردند که تظاهراتی برای شهدای ارتش در همین روز برگزار میشود و آیت الله دستغیب نیز در آن شرکت میکند و بدین ترتیب با حرکت آبادانیها مقابله نمودند.

\*\*\*

\*\*\*

پیدر روز بان جنگ عادلانه نابود بان جنگ غیر عادلانه

دنیاله مطلب " جنگ بین دو دولت ... " ( از صفحه ۴ )

از حقوق ما ها نه کارگران کارخانه کفش ملی بمدت ۶ ماه یک روز حقوق به بهیانه کمک به جنگ زدگان کسر میشود.

\*\*\*

به ۵۰ نفر از کارگران بنزخا ورکه برای اعزام به جنبه جنگ آمادگی خود را اعلام کرده بودند ، ماه موریت سرکوب خلق کرد ، داده شد . تمامی ۵۰ نفر از رفتن بگردستان خودداری کردند .

\*\*\*

در روز ۵۹/۸/۴ کارگران کفش ملی به پخش سخنرانی رادیوئی بهشتی در سرویس کارگران ، بشدت اعتراض کرده و رادیو را خاموش نمودند . کارگران میگفتند : " بهشتی باعث جنگ و فساد در مملکت شده است . " این گفته کارگران که گفتند : " بهشتی باعث جنگ و فساد در مملکت شده است " ، در عین درست بودن ، ناقص است . ما باید بدانیم که تنها بهشتی نیست که بخلق ماستم روا میدارد ، بلکه کلیه افرادی که بدفاع از این سیستم پوسیده و وابسته به امپریالیسم برخاسته اند ، و در عمل نوکری امپریالیسم را پذیرفته اند ، نیز شرکای او هستند . مردم ما باید بدانند که بهشتی کارگزار این سیستم وابسته است ، همانگونه که شاه نیز رسالتی جز این نداشت . مردم ما باید بدانند که علت بدبختی و همه دردهایشان ، نه فقط فرد بهشتی ، بلکه آن سیستمی است که بهشتی و شرکایش ، آنرا پابرجای نگاه داشته اند . بهشتی و یارانش که حاکمیت وابسته به امپریالیسم را تشکیل داده اند .

\*\*\*

بدنیال بمباران پالایشگاه تبریز ، توسط هواپیما های عراقی که موجب شهادت شش تن از کارکنان اطاق فرمان پالایشگاه گردید ، کارکنان پالایشگاه از نزدیک شدن به دستگاهها ، وحشت دارند . رئیس پالایشگاه برای ترغیب آنان بکار بیشتر ، برای کارکنان نطقی کرد که محتوی آن چنین بود : " در شرایطی که برادران ما در جبهه های مختلف مشغول نبرد هستند ، شما نباید استی از کار در این محل هراس داشته باشید . " یکی از کارگران در جواب به او گفت : " کسی که در جبهه جنگ میکند ، بهر حال سلاحی دارد که با آن از خودش دفاع میکند ، در حالی که ما در مقابل حملات ، بی دفاع هستیم . " سپس خطاب به رئیس پالایشگاه چنین گفت : " اگر به حرفها-بتان ایمان دارید ، پس بیائید تا به اتفاق هم به سردستگاه ها برویم ، لاقول بهنگام کارمان ، شام هم در محل باشید تا حضور شما در محل کار هم باعث تقویت روحیه ما بشود و هم فرصتی تا شما بتوانید در مورد قطعات مختلف ، بما توضیح بدهید . "

سخنان این کارگر ، موردتأیید همکاران او قرار گرفت .

\*\*\*

به بهیانه جنگ هزاروپانصد تومان حق مسکن کارکنان پالایشگاه تبریز از حقوق آنان کسر گردیده است .

\*\*\*\*\*

**رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی :** روستاهای کردستان ایران را با بمب ناپالم به آتش میکشد و بیشرمانه مدعی است که کار رژیم باعث عراق است !

**رژیم ضد خلقی عراق :** روستاهای کردستان عراق را با توپ و راکت به آتش میکشد و بیشرمانه مدعی است که کار رژیم ایران است !

**هرگز بورژیم های ضد خلقی**

**مستحکم باد پیوند کارگران با چریکهای فدائی خلق ایران**

جنگ غیرعادلانه دودولت ایران و عراق گویا فرصت مناسبی را فراهم کرده است تا سرمایه داران ، جریانات منحط سیاسی و حتی وزیردفاع، کارگران و زحمتکشان میهنمان را به تن دادن به استثماری بیشتر دعوت کنند :

چهارشنبه ۳۰ مهرماه ۱۳۵۹  
سال دوم - شماره ۸۱ - صفحه ۱۱

**جنگ**  
انها به خوبی  
سیف انقلابی خود  
واقفند.  
آنها به خوبی می دانند که  
در جبهه جنگ همدوش و  
پیشاپیش دیگر زحمتکشان  
میهن باید به دفاع از  
استقلال و آزادی میهن  
برخیزند و در سنگر کارخانه  
نیز با ادامه و افزایش تولید  
بر اساس امکانات موجود ، با  
ترمیم و بازسازی صدمات  
ناشی از جنگ ، از انقلاب  
و دستاوردهای آن بیگانه  
دفاع کنند.

**ایران سراسری**  
**(استریت)**

شنبه ۳ آبان ماه ۱۳۵۹ - شماره ۳۸۴

**انقلاب اسلامی**

مادر پشت جبهه چگونه  
می توانیم به هم وطنان خود  
در خط مقدم جبهه کمک کنیم؟



**کار و تولید  
بیشتر**

بزرگترین سلاح مایه های نیروی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.  
تولید بیشتر در صنایع مختلف

قوی - خوش - جند کارگر در این جامعه جنگ را به  
صورت تولید می آورد کشاورز جنگ را بصورت تولید در می آورد و  
دقیقا هر کسی به خاطر نیروی و دل جامعه میبندد و این جنگ هم به  
این شکل نیست که هم سلاح بگیرند دستشان و بجنگند ، اگر هر کسی  
در هر جا که کار میکند سعی کند با این کاری که میکند قدرت دفاعی  
ملکت را بالا ببرد کمالات بشود که قادر جنگ پیروز بشویم او میبندد  
و این یک جنگ تودهای و مردمی است .  
ای مردم - "باید داراه" - "شوقی باشد ادا"

(( ایورتون بیسم هیچ چیز نیست جز رسوخ ایده های غیر پرولتری در جنبش کمونیستی ))

جنگ غیرعادلانه دودولت ایران و عراق موجب انباشته شدن جیب امپریالیستها و سرمایه داران وابسته و فقر و نکبت برای زحمتکشان ایران و عراق است .  
جریکهای فدائی خلق ایران ، خواهان قطع این جنگ غیرعادلانه اند .

**زنده باد همبستگی برادرانه بین خلقهای  
ایران و عراق**

**مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیرش**

معلمین هوادار چریکهای فدائی خلق ایران - بابل طی اعلامیه ای انگیزه های جنگ غیرعادلانه دورزیم ضد خلقی و وابسته با امپریالیسم را برشمرده اند. این اعلامیه عیناً بنظرتان میرسد.

# زنده باد جنگ عادلانه!

دورزیم جمهوری اسلامی و بعث عراق در موقعیتی ضعیف برای اجرای مقاصد ضد خلقی امپریالیستی خویش قرار گرفته اند و این جنگ غیرعادلانه کمکی است برای آنها که هدفی جز قربانی کردن مردم ناآگاه و برای مطامع حقیر سرمایه داران وابسته و هموار کردن راه برای اجرای بهتر سیاستهای بین المللی ندارند. برخی انگیزه های اصلی جنگ را برمی شماریم:

- ۱- توجیه بحران اقتصادی و سیاسی به بهانه ( در شرایط جنگ بسر میرویم )
  - ۲- کسب موقعیت برتر در خلیج فارس
  - ۳- احیای مجدد ارتش ضد خلقی رژیم و تسلیح آن برای سرکوب خلقها
  - ۴- براه انداختن صنایع وابسته
  - ۵- استثمار هرچه شدیدتر کارگران با تولید بیشتر به بهانه جنگ
  - ۶- سرکوب خلقهای مبارز و نیروهای انقلابی تحت عنوان " ضد انقلاب " و " ستون پنجم "
  - ۷- جلوگیری از گسترش مبارزات کرد های ایران و عراق و خلق برب در منطقه
  - ۸- فریفتن توده ها و استفاده از نیروی لایزال آنها تحت شعار " دفاع از زمین " در قالب همسازان شعار از دست رفته " وحدت کلمه "
  - ۹- سرپوش گذاشتن بر جنایتهای رژیم در کردستان از زهن مردم
- تجربه همه جنگهای غیرعادلانه نشان داده است که نیروی رشده یابنده نیروی توده ها و بیطور- کوی صفوی انقلاب است و برای رسیدن به جنگ عادلانه، توده ها باید مسلح شوند و در صفی مستقل از اعدای دورزیم جمهوری اسلامی و بعث عراق، در سنگر پیشاهنگان واقعی خویش مبارزات خود را ادامه دهند و آنگاه که مبارزه مسلحانه توده های به برقراری جمهوری دموکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر منجر گردد، زمین برافتخار مابه آزادی خواهد رسید.

زنده باد همبستگی برادرانه بین خلقهای ایران و عراق!  
 مرگ بر رژیمهای ضد خلقی جمهوری اسلامی و بعث عراق!  
 پیش بسوی سازماندهی مسلح توده ها!  
 زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی  
 است!  
 مرگ بر امپریالیسم و مگهای زنجیرش!

معلمین هوادار چریکهای فدائی خلق ایران

بابل - ۵۹/۸/۱

هرچه مستحکمتر باد پیوند معلمین انقلابی

با چریکهای فدائی خلق ایران

**تمرین رژه به چه درد جنگ می خورد؟**

بدنیال احضار سربازان منقزی خدمت سال ۵۶ برای شرکت در جنگ ۲۰۰ نفر از آنان را به چاه بهار جهت گذراندن دوره آموزشی فرستادند. در طی این دوره به سربازان منقزی خدمت، آموزش نظام جمیع و رژه داده میشد. سربازان به این امر اعتراض کرده و از انجام عملیات مذکور سر باز زدند. آنها میگفتند اولاً ما قبلاً اینکارها را تمرین کرده ایم و ثانیاً تمرین رژه به چه درد جنگ می خورد؟ گروهیانی که فرماندهی این عده را بعهده داشت در جواب اعتراض آنان بالحنی اهاضت آمیز گفت: دستور ارتش است و شماها موظف با انجام آن هستید. سربازان نیز به تلافی اهاضت گروهیانی، اورا گرفته و کتک زدند. دیگر فرماندهان نیز در این جریان دخالت کرده و آنان نیز کتک خوردند. بدنیال این واقعه مسئولین امر، این دوره را لغو کرده و سربازان را با هواپیما به تهران فرستادند.

در تهران ۱۰ نفر از سربازان را بجرم کتک زدن فرماندهان ارتش در ستاد کل ارتش محبوس نموده اند. آنان هنوز محاکمه نشده و منتظر تشکیل دادگاه هستند. گفته میشود که ارتش تصمیم دارد این سربازان را در دادگاه زمان جنگ محاکمه کند. در چنین صورتی نتیجه دادگاه به احتمال قوی اعدام خواهد بود. این جریان نیز کوشش مدام رژیم رادر برقراری اطاعت کورکورانه نشان میدهد.

\*\*\*\*\*

**(ساری)** جوانهای ساری مدتی است که بدلیل خاموشی برق خیابانها در شب، ذریعگی از محلات شهر کشیک میدهند. جوانان هوادار نیروهای مترقی و انقلابی نیز در این امر شرکت کرده و حفاظت محله های خود را بعهده گرفته اند. این جوانان از طرف انجمن های اسلامی محله ها مورد تهدید قرار گرفته اند. انجمن های اسلامی تهدید کرده اند که اگر این جوانان به کشیک خود ادامه دهند، آنها را دستگیر مینمایند. سپاه پاسداران نیز به تازمه تهدید به انجمن های اسلامی گفته است که "از این کار دست بردارید". این واقعه بار دیگر نشان میدهد که حاکمیت ضد خلقی میکوشد تا با استفاده از ارگانهای خود هرگونه ارتباط مابین توده ها و نیروهای مبارزو انقلابی را خدشه دار سازد. اما حکومت به عبث میکوشد. جوانه های اندیشه انقلابی در خاک توده ها رشد خواهد یافت و بنیان دشمنان خلق را فرو خواهد ریخت.

\*\*\*\*\*

هواداران جریکهای فدائی خلق ایران - بابل طی تراکتی، عدم توانائی ارتش جمهوری اسلامی را در حفاظت توده ها، در مقابل تجاوزات خارجی یادآور شدند.

**ارتش که در مقابل سرکوب توده ها اینهمه**

**فاطمیت از خود نشان میدهد ارتش که تمام**

**دشمنان خود را برای سرکوب مبارزات توده ها**

**بکار میگیرد هرگز قادر نخواهد بود توده ما را**

**در مقابل هجوم نیروهای متجاوز حفاظت**

**نماید.**

هواداران جریکهای فدائی خلق ایران - بابل

۵۱/۷/۲۵

۳۳



## "گزارش روز شمار وقایع جنگ - خوزستان"

۵۹/۶/۳۱ - صدای توپ و مسلسل از دو طرف شط بگوش میرسد. مردم هراسانند. آنها تکیه از شلمچه میآیند میگویند: "درگیری در آن منطقه شدید است. مردم با هروسيله ای که بدستان برسد، از منطقه دور میشوند. در خرمشهر، مردم سوار بر موتور، وانت بار، و هروسيله ای که بدستان رسیده، از شهر خارج میشوند. زنها و بچه ها با چشمان اندوه بار و وحشت زده به طرف مقصدی نامعلوم میروند." اندک، اندک بازار تعطیل میشود. هنوز از سنگربندی خبری نیست و هیچگونه سازماندهی برای یک جنگ احتمالی وجود ندارد. همه دلواپس آینده اندوکسی نمیتوانند بگویند چه پیش خواهد آمد. مردم که نمیتوانند خاطره کشتار و جسیانه فرزندان خلق عرب را در خرمشهر فراموش کنند، سگ زرد را برادرشغال میدانند و هیچگونه حمایت خاصی از رژیم جمهوری اسلامی نمیکند. مردم میگویند اگر جنگ به شهر بکشد، از شهر خارج میشویم. دولت برای جنگ بمردم متکی نیست. دولت حاضر نیست بجز پاسداران، کمیته ها و ارتشها، مردم زحمتگشی را که ریشه در خاک خوزستان دارند مسلح کند.

۵۹/۷/۱ - از ساعت ۸ تا ۹ شب صدای توپ از طرف عراق، بیابایی بگوش میرسد. هواپیماهای دو طرف مواضع یکدیگر را میکوبند. امروز اعلام شد عراق به تهران، اهواز، شیراز، سنندج و تبریز حمله برده و چندین هواپیمای ارتش ایران را سرنگون کرده است. توپخانه ارتش ایران شهرهای عراقی آنطرف مرز را زیر حمله خود گرفته است. دودی که از شهرهای بمباران شده آنطرف مرز بلند شده است از دور به چشم میخورد. عراق با توپ، چند نقطه خرمشهر از جمله روبروی مخاریات و بغل پمپ بنزین را به آتش کشیده، چند خانه را ویران کرد. در آبادان نیز پالایشگاه، مرتب مورد حمله قرار میگیرد. منبع آمونیاک، گاز، مخزن نیفت با وارده و منزل ۳۱۳ "بریم" و چند نقطه در خیابان طالقانی، مهمترین محلهایی بودند که امروز بمباران شدند. این بمبارانها چندین کشته و زخمی بجا گذاشت.

هر شب از ساعت ۸ به بعد آب و برق خرمشهر قطع میشود و شهردر تارکی مطلق فرو میرود. صدای پیچ مردم که در سرکوجه ها جمع شده اند، بگوش میآید. آنها که بانگرانی دیده ها و شنیده های خود را برای هم بازگو میکنند، با شنیدن صدای توپ به خانه ها پناه میبرند. بچه ها از ترس گریه میکنند. صفنان و بنزین طولانی است و مردم برای خرید و نگهداری آذوقه، به خواربارفروشیها هجوم میبرند.

همه ساکنین کوی آریا، خانه هایشان را گذاشتند و رفتند. صدای مهیب توپ ناو ها گوش را کرمیکند. امشب رادیوی عراق خبر بمباران تهران، سنندج، اصفهان، تبریز و اهواز را اعلام کرد. رادیوی عراق بیابایی مردم و مخصوصا ارتشیان را دعوت به خیانت میکند. آنها میگویند ما وارد ایران شدیم و پیش میرویم. رادیو اهواز از مردم خواست که با سنگربندی، مانع پیشروی ارتش عراق گردند.

۵۹/۷/۲ - امروز حملات توپخانه طرفین جنگ، بسیار شدید بود. تا نیمه های شب، از لرزش خانه ها، کمتر کسی بخواب رفت. حدود ساعت ۸/۴۵ دقیقه صبح، رادیو آبادان از نیروهای نظامی خواست تا هر چه زودتر، خود را برای سنگربندی، به سراهی خرمشهر - اهواز پلیس راه برسانند. این پیام که چندین بار تکرار شد به معنی پیشروی نیروهای عراقی از مرز شلمچه، تا این حدود بود. رادیو آبادان از مردم خواست که در شهر سنگربندی کنند. گروهی از مردم با هروسيله، حتی چرخ دستی، ابتدائی ترین وسایل زندگی خود را جدا میکنند، تا به نقاط دور دست کوچ کنند. گروهی دیگر با گونیهای شن و ماسه در سرکوجه ها و خیابانها سنگربندی میکنند. در خیابان لب شط پرنده پرنمیزند. انگار نه انگار که تا همین روز پیش آنقدر شلوغ بود که نمیشد از آن عبور کرد.

حوالی ظهر دو پاسدار مسلح، سوار بر موتور میگذشتند. مردی پرسید چه خبر؟ گفتند: "پیروزی" - پاسداران پرسیدند: "چرا به خانه میروید؟" مرد گفت: "مگر ما اسلحه میدهید که از خودمان دفاع کنیم؟" پاسداران گفتند: "نه!" و رفتند. جوانانی که در حال برپا کردن سنگر و ساختن کوکتل مولوتف بودند می گفتند: "دولت اسلحه نمیدهد. دولت به مردم اطمینان نمیکند."

پمپ بنزین سراهی خرمشهر واقعاً شلوغ است. صف طویل کارگران و پابرهنه ها، که هر کداشان یک گالن با خود دارند، صف های طویل اتومبیلهای سواری، وانت، تریلی و موتور که هر یک فراخور ظرفیت خود، وسایل زندگی خانواده آوارهای را حمل میکنند، بچه های قدونیمقد و زنان زحمتکش و داغدار عرب، آبادان را ترک میکنند.

رادیو یک لحظه مردم را آسوده نمیکند. بیابایی پیام میدهد و هنوز هم دست از دروغ و فریب برنمیدارد. صدای جمهوری اسلامی بیابایی میگوید: "عده ای فرصت طلب و منافق در سرچهار راهها ایستاده

و بحث میکنند و از مردم کمک میخواهند و به آنها دستور میدهند. " رادیو از مردم میخواهد که با آنها همکاری نکنند. ولی گوش مردم بدهکار این حرفها نیست. شهرآبادان توسط مردم و نیروهای انقلابی و مبارز سنگربندی شده است. مردم بدون اسلحه پشت سنگرها ایستاده اند.

۵۹/۷/۳ - مردی که دیشب به دعوت رادیو برای کمک به سنگربندی به پلیس راه رفته بود می گفت: " پاسداران گفتند: آنها با تانک و نفرمیا آیند و ما با ۳ نمیتوانیم کاری بکنیم. فعلا متفرق شوید تا ببینیم چه تصمیمی میگیرند. " صف طولانی بنزین هنوز هم پشت پمپ بنزین ایستاده است. رادیو اعلام کرد تا چهل و هشت ساعت به هیچ عنوان سوخت تحویل داده نخواهد شد.

دنیای بچه ها در این روزها دیدنی است. آنها از حفرة هایی که انفجار توپ و خمپاره ایجاد میکنند، برای بازی کردن استفاده میکنند و قطعات گلوله خمپاره و توپ را مثل غنائم جنگی میبرند.

ساعت ۸/۳۰ دقیقه صبح رادیو نفت ملی، از مردم دعوت کرد که برای سنگر گرفتن به پلیس راه بروند. رادیو همچنین راههای جلوگیری از حرکت تانک را به مردم آموزش میدهد: حفر خندق توسط لودر، انداختن میله و آهن میان چرخها، انداختن کوکتل، رادیو به مردمی که رژیم از مسلح کردن آنها هراس دارد توصیه میکند که با تیراندازی به قسمت دید تانکها، مانع ورود آنها به شهر گردند.

پاسداران مسلحی که با یک وانت سر پوشیده، بطرف آبادان می رفتند با خشم و نفرت به صف آوارگان جنگ در پمپ بنزین نگاه میکردند. مسافران آبادان از آتش سوزی در ۱۵ نقطه این شهر خبر میدهند. از آبادان وقتی عراق را نگاه میکنی فقط دود مبینی، انگار تمام کشور عراق آتش گرفته است.

یک کارگر عرب به حدود ۱۰ نفر ارتشی که لای نخلها و زیر سایه نشسته بودند گفت: " دشمن در چند کیلومتر پلیس راه است. شما چرا اینجا هستید؟ چرا سنگر نمیکنید؟ یادتان هست که فرمان مدنی جلاد، ماکارگان را بعنوان فدا انقلاب به گلوله مسلسل می بستید؟ چرا امروز حتی سنگر هم نمیکنید و منتظرید تا ما بکنیم؟ " یکی از ارتشیها کلاه خودش را جا بجا کرد و گفت: " بما هر چه بگویند عمل میکنیم. آنموقع آنطور فرمان میدادند و امروز طور دیگر. به ما چه؟ "

توپخانه عراق قسمت زیادی از پالایشگاه را به توپ بست. تا کیلومترها فضا را دود غلیظی فرا گرفته است. راه پالایشگاه را بسته اند. رادیو دائماً از مردم میخواهد که با ماشینهای سنگین خود برای ریختن خاک و ماسه در اطراف پالایشگاه کمک کنند. رادیو از ما حیوان تا نکرهای آب هم کمک میخواهد.

آبادان و خرمشهر تماماً تعطیل است. رادیو ما حیوان خوار بار و فروشیها و بنا نوا شیها را موظف میکند در ساعات معینی، مغازه های شان را باز نگهدارند. رادیو اعلام کرد با آنها که مغازه های شان را در ساعات تعیین شده باز نکنند، مانند فدا انقلابیون زمان جنگ رفتار خواهد شد.

عرب های فقیر حتی در زیر بارش گلوله های توپهای ۱۰۶، ۱۳۰ و ۲۳۰ میلیمتری برای سیر کردن شکم گرسنه خود به نخلستانها پناه میبرند و شکم خود را سیر میکنند. خوارها خوار و خرما روی درختها مانده و کسی نیست که از آنها استفاده کند.

ساعت ۶/۴۵ دقیقه آذیر حمله هوایی بمباران در آمد. گلوله توپ و خمپاره پیاپی به هر گوشه شهر میخورد و صدای آن گوش را کرم میکند. ولی این صداها دیگر برای مردم عادی شده است.

۵۹/۷/۴ - ساعت ۸ صبح رادیو آبادان از مردم خرمشهر خواست برای کمک به پادگان و سنگربندی به آن منطقه بروند. خبر رسید که تانکهای عراقی تا چند کیلومتری خرمشهر رسیده اند. تلاش عراق برای بمباران کردن پل خرمشهری نتیجه ماند. مردم خرمشهر با شنیدن خبر نزدیک شدن عراقیها، بطرف ماه شهر، آبادان و اهواز راه افتادند. تعدادی نیز برای کندن خندق و سنگربندی بطرف پادگان رفتند. صبح امروز عراق مجبور به عقب نشینی شد. در بعد از ظهر، باران گلوله و خمپاره به خرمشهر سرازیر شد و پالایشگاه آبادان هدف آتشبار و راکت عراق قرار گرفت. دود غلیظی که در آتش سوزی پالایشگاه به هوا میرفت، خورشید را تیره کرده بود. بوی دود و باروت، صدای توپ، خمپاره و راکت، آژیر آمبولانسها و بوق ممتدا تومبیلها، منظره عجیبی به شهر میداد.

در خرمشهر چند تیر توپ و خمپاره به منازل مسکونی اصابت کرد. یک پیکان با یک سرنشین خرد شد و چند خانه فروریخت. خانه هایی که فرو میریخت و ناله زنان و گریه کودکان، خشم و نفرت هر انان شرافتمندی را نسبت به عاملین جنگ برمی انگیزد. کارگران و زحمتکشانی که نتوانستند و یا خواستند شهر را ترک کنند، حیران و سرگردانند. آنها بیکار شده اند. فرزندان شان چگونه زندگی خواهند کرد؟ دیگر هیچ چیز بیهوده نمیشود. نه نان، نه گوشت، نه نفت، نه بنزین، نه.....

در پمپ بنزین سه راه خرمشهر، بین پاسداران و سرنشینان ارتشی یک تویوتا که میخواهند بنزین بگیرند، دعوائی در گرفت. پاسداران به ارتشیان گفتند: " ما با ایمان میجنگیم، شما چطور؟ " یکی از ارتشیها جواب داد " من هم با تود رستگربووم، چرا نباید به من بنزین بدهی؟ " و بلافاصله گلنگدن کشید و تیری شلیک کرد که به کسی اصابت نکرد. دعوا با میانجیگری مردم خاتمه یافت.

سه یا چهار روز از قطع آب و برق شهر میگذرد. بقایای غذای مردم در حال گندیدن است. مردمی که آب راحتی در بطریهای کوچک ذخیره کرده اند، حداکثر مصرفه جوئی را در مصرف آب میکنند. پس از تمام شدن آبهای ذخیره شده، مردم بایاد از آب شط استفاده کنند که علاوه بر تمیز نبودنش، مسئله فاصله زیاد ایسن رودخانه تا خانه های مردم مشکلی است که در آینده نزدیک خود را نشان خواهد داد.

۵۹/۷/۵ - امروز نسبت به روزهای قبل آرام تر بود. گردوغبار و صدای توپخانه ارتش ایران که از پشت کوی ویلا به عراق شلیک میکرد، موجب شد تا ارتش عراق محل استقرار توپخانه ایران را شناخته و بطرف آن شلیک کند. ارتشیها، محصل استقرار توپها را تغییر داده و آنها را در لای درختان نخل استقرار کردند. ولی ارتش عراق محل جدید را هم شناخت و بطرف آن شلیک کرد. تنی چند از عربهای گرسنه ای که از ترس جان به زیر نخلها پناه برده بودند، زخمی شدند. این باعث شد که مردم برای چندمین بار از شهر خارج شوند: به کناره های خلیج فارس، دهات دور دست خرمشهر و آبادان و خلاصه هر جا که دور از تیررس توپخانه و خمپاره انداز ارتش عراق باشد، اما فرار از خرمشهر و آبادان بمعنی رهایی از خطر نیست. میگه میتوانند آوارگان را در همه جا تعقیب کنند.

امروز تا ساعت ۷ شب اوضاع تقریباً آرام بود. ولی از این ساعت ناگهان آبادان، راکت باران شد. ۶ نقطه شهر در آبادان به آتش کشیده شد. در خرمشهر نیز چندین نقطه شهر با راکت بمباران شد که در دو نقطه با آتش سوزی همراه بود. توپخانه و کاتیوشاهای ایران، عراق را هدف میگیرند. صدای شلیک توپخانه از دو طرف، شهر را می لرزاند. گلوله باران تا ساعت ۹ شب ادامه داشت.

۵۹/۷/۶ - رادیو اهواز، خبر بمباران اهواز بوسیله ارتش عراق را که موجب مرگ زنان و کودکان بسیاری در مدارس، بیمارستانها، شهر و بازار شد، اعلام کرد. رادیو اهواز ضمن دعوت مردم به آرامش، اعلام کرد که تانکهای عراق امکان پیشروی دارند و از مردم میخواست، با کتک و مولوتف و سراهی سد راه آنها گردند. رژیم بجای مسلح کردن مردم، آنها را به نوشیدن " شربت شهادت " تشویق میکند.

از اهواز خبر میرسد روحانیون اعزامی به جبهه جنگ طی اطلاعیه ای، اعلام کردند: چون روحانیون از نظر نظامی دوره ندیده اند و تخصصی ندارند، بهتر است در پشت جبهه به کارهای غیر نظامی و مکتبی بپردازند!! به نظر میرسد که آقایان " علما "!! قصد دارند پیوسته بین " مکتب " و " تخصص " جانب مکتب را بگیرند، حتی اگر این امر به قیمت از دست دادن " مینهن اسلامی " شان تمام شود. ایسن مهم نیست، مهم، نتیجه ایست که بدلیل " مکتبی بودن، عاید آقایان میشود. یک فرد " مکتبی " غیر " متخصص " امکان این را مییابد که در پشت جبهه بماند، ولی " متخصص " غیر " مکتبی " این " امتیاز " را دارد که در صفا اول جبهه بجنگد.

خبر دیگر از اهواز، صدور اعلامیه ای از طرف مدیریت دایره ایدئولوژیک ارتش جمهوری اسلامی بود. این اعلامیه، هم کسانی که مردم را سرچهاراها جمع کرده، اعلامیه پخش میکنند و مردم را " فریب " میدهند و هم گیرندگان اعلامیه ها را تهدید به دستگیری و محاکمه بر طبق قوانین زمان جنگ مینمود.

ساعت ۱۲/۳۰ دقیقه بعد از ظهر امروز، تلویزیون عراق، فیلم عبور ارتش عراق را از مرزهای غربی و جنوب غربی ایران نشان داد. فیلم نشان میداد که هنگام عبور ارتش عراق از مرز، نیروئی در برابر او نبود. چند پایگاه، برجهای دیده بانی و پاسگاههای ژاندارمری اسلحه ها را گذاشته و فرار کرده بودند. ارتش عراق براحتی، کیلومترها از مرز ایران گذشت. در قمر شیرین، در مقابل پاسگاهها، اداره بهداشت - اری و بهداشتی و بانک صادرات، عکسهای رسمی و پرچم ایران را به زیر میکشیدند و زیر پاله میگردند. فقر و بدبختی از خانه های که عراقیها در قمر شیرین فیلم برداری کرده بودند، میبارید.

۵۹/۷/۷ - بنظر میرسد، روز آرامی شروع شده باشد. مردم رفت و آمد را شروع کرده اند، ولی هنوز مغازه ها، بانکها و ادارات بسته اند. گاهگاهی صدای تیراندازی بگوش میرسد. پالایشگاه آبادان هنوز میسوزد. مردم از نزدیک شدن به پالایشگاه می ترسند، چون هر آن، هم احتمال تیراندازی وهم به دلیل آتش سوزی های قبلی، امکان انفجار از داخل پالایشگاه وجود دارد.

۵۹/۷/۸ - امروز ساعت ۴/۳۰ دقیقه صبح ، توپخانه ، مسلسلها ، تانکها و خمپاره ها شروع به تیراندازی کردند . جنگ سختی در خرمشهر درگیر است و صدای انفجار ، لحظه ای قطع نمیشود . امروز پاسداران تمام ماشینها و موتورها را با زرسی میگردند و نمیگذارند کسی از جایی عکسبرداری کند . مردم میگویند این بازرسیها بعد از دستگیری هفت پاسداری که با عراق همکاری میکردند ، شروع شده است .

ساعت ۴/۳۵ دقیقه بعد از ظهر رادیو آبادان از مردم آبادان خواست تا هر چه سریعتر در داخل شهر دست بسنه سنگربندی زده ، کوکتل مولوتف و سهرای تهیه کنند و در انتظار حمله احتمالی ارتش عراق باشند .

رژیم تنها میتواند مردم را به ساختن کوکتل مولوتف و سهرای تشویق کند ، حتی زمانی که ارتش عراق با توپ و تانک خود در پشت دروازه شهرهاست ، رژیم از مسلح کردن مردم به اسلحه هایی که توانایی مقابله با نیروی زرهی ارتش مقابل را داشته باشد ، هراسان است . چرا؟ آیا جز اینست که جمهوری اسلامی میترسد اسلحه ای را که بدست مردم سپرده ، علیه خودش استفاده شود؟ رژیمی که در جهت منافع مردم قدم بردارد ، از تسلیح آنها هراسی ندارد .

مردم هیچگونه اعتمادی به حاکمیت ندارند . آنها و اهمه ای از ابراز علنی ناراضی خود نیز ندارند . مردم میگویند: " دولت شعار میدهد . عراقیها با تانک و نفربر و مسلسل میآیند ، ولی بما میگویند با تکبیر به جنگ آنها بروید . " در چنین شرایطی مردم ترجیح میدهند که از شهر خارج شوند تا از آن دفاع کنند .

همه زندگی یک خانواده عرب در حال کوچ کردن از خرمشهر ، از این قرار بود: سه پسر بچه ۷- ۱۰ و ۱۳ ساله ، یک دختر بچه ۶ ساله . بچه ها هر کدام یک ظرف کوچک آب و حداقل وسایل خواب خود را در دست دارند . مادر با یک شاخه خرما از پشت سر آنها میآید بسا دورا ، سگها و گاو که در جلوی آنها در حرکتند . این همه زندگی یک خانواده فقیر از خلق ستمکش عرب است .

حدود ساعت ۵ بعد از ظهر امروز ، ارتش عراق ، محله های فقیرنشین خرمشهر را بمباران کرد . تا دیروقت شب ، خانه های بمباران شده در آتش میسوخت .

۵۹/۷/۹ - از ساعت ۲ صبح صدای توپ ، خمپاره و راکت ، خواب از چشم همه ربوده است . تا ظهر چندین نقطه خرمشهر را بمباران ، دچار آتش سوزی شد . دودناشی از آتش سوزی تمامی فضای شهر را پر کرده است . شهرزیرباران خمپاره و توپ قرار دارد . بازار ، نخلستان ، بیابان ، خانه و ..... هیچ جا امن نیست .

عصا امروز اعلامیه ای از طرف دادستان دادگاههای انقلاب آبادان و خرمشهر صادر شد . اعلامیه کسانی را که در شهر جمع میشوند و در چهار راهها بحث میکنند و یا اعلامیه ها از آنها و گروههای سیاسی را پخش میکنند ، در ردیف کسانی قرار میداد که با استفاده از شرایط جنگی ، دست به دزدی میزنند و هر دو را تهدید میکرد که به اتهام " مفسد فی الارض و محارب با خدا " محاکمه و مجازات خواهد کرد .

رژیم میکوشد با استفاده از شرایط جنگی و با منحرف کردن اذهان انقلابی توده ها به سرکوب فرزندان راه ستین خلق بپردازد .

رژیم به عبث فکر میکند که میتواند از طریق جنگ افروزی برموج اوج گیرنده مبارزات توده ها سوار شود . اثرات اقتصادی - سیاسی و نظامی جنگ گردابی است که جنگ افروزان را در خود فرو خواهد برد .

## برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

### برهبری طبقه کارگر

رفقای مسئول توزیع خبرنامه

بهای خبرنامه ۲۰ ریال است ، ولی برای توزیع آن در بین زحمتکشان پولی دریافت نکنید .